

اما اندازه، شاخص اصلی تعیین «مگاسیتی» نیست. مگاسیتی در واقع گره‌های اقتصاد جهانی و قدرتمندترین کشورهاست. در قلمرو آنها عملکردهای وسیع مدیریت جهانی، تولید، مراکز قدرت سیاسی، کنترل رسانه‌ها و توان سمبلیک ایجاد و گسترش پیام‌های غالب متمرکز است. توکیو، سائوپولو، نیویورک، مکزیکو سیتی، شانگهای، بمبئی، لوس آنجلس، بوئنس آیرس، سئول، پکن، ریودوژانیرو، کلکته و اوزاکا طبق طبقه‌بندی سال ۱۹۹۱ ملل متحد مگاسیتی‌های جهانی هستند که با یکدیگر تفاوت‌هایی نیز دارند. به این گروه باید جاکارتا، مسکو، قاهره، دهلی نو، لندن، پاریس، یا لاگوس، داکا، کراچی و تیانچین را نیز اضافه کرد. همه شهرهای مزبور مراکز غالب اقتصاد جهانی نیستند. برای نمونه، لاگوس و داکا هنوز در همه روندها و عملکردهای مؤثر در زندگی صدها میلیون مردم درگیر در اقتصاد جهانی سهم نیستند. مگاسیتی‌ها باید بر حسب قدرت کشش خود در نواحی گسترده جهانی تعریف شوند. مگاسیتی‌ها در اقتصاد جهانی ادغام می‌شوند، شبکه‌های اطلاعاتی را به هم متصل و قدرت جهانی را در خود متمرکز می‌کنند. همچنین مگاسیتی‌ها بخش وسیعی از جمعیت

جهانی شدن اقتصاد و اطلاعاتی شدن روندهای تولید، توزیع و مدیریت به گونه‌ای عمیق ساختار فضایی و اجتماعی را در بسیاری از نقاط جهان دگرگون کرده و منجر به یکپارچگی اقتصادی در سطح محلی و جهانی شده است. اثرات فضایی-اجتماعی یکپارچگی اقتصادی جوامع مختلف بر حسب سطح توسعه کشورها، ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی، فرهنگ و نهادهای مختلف آنها متفاوت است (Robert et al., 1999: 51-65).

بنابراین گرچه جهانی شدن دلالت بر یکپارچگی رو به رشد جهان دارد و منجر به کاربرد واژه‌هایی نظیر «دهکده جهانی»، «بازار جهانی» و «کارخانه جهانی» شده است ادعای حصول فضای شهری یکپارچه جهانی اغراق آمیز است. از این رو به جای اینکه روی شکل خاصی از «شهرهای جهانی» متمرکز شویم باید شکل‌گیری شهر جهانی را به عنوان روندی چندجانبه تلقی کنیم که الگوهای رشد متفاوتی را تعقیب می‌کند.

شهرنشینی در هزاره سوم: مگاسیتی‌ها

مگاسیتی مناطق شهری بسیار بزرگ تاریخ انسانی است. در سال ۱۹۹۲ دستکم ۱۳ شهر با بیش از ۱۰ میلیون نفر سکنه در جهان وجود داشته

الگوهای از فضاهای شهری در عصر جهانی شدن

دکتر حسن افراخته

دانشیار گروه جغرافیا

دانشگاه سیستان و بلوچستان

جدول ۱: بزرگترین شهرهای جهان در سال ۱۹۹۲

رتبه	شهر	کشور	جمعیت به هزار نفر
۱	توکیو	ژاپن	۲۵۷۷۲
۲	سائوپولو	برزیل	۱۹۲۳۵
۳	نیویورک	ایالات متحده آمریکا	۱۶۱۵۸
۴	مکزیکو سیتی	مکزیکو	۱۵۲۷۶
۵	شانگهای	چین	۱۴۰۵۳
۶	بمبئی	هند	۱۳۳۲۲
۷	لوس آنجلس	ایالات متحده آمریکا	۱۱۸۵۳
۸	بوئنس آیرس	آرژانتین	۱۱۷۵۳
۹	سئول	کره	۱۱۵۸۹
۱۰	پکن	چین	۱۱۴۳۳
۱۱	ریودوژانیرو	برزیل	۱۱۲۵۷
۱۲	کلکته	هند	۱۱۱۰۶
۱۳	اوزاکا	ژاپن	۱۰۵۳۵

منبع: Jordi et al., 1999: 28

می‌دهد، با صورت فلکی کیوتو-اوزاکا-کوبه متصل و براحتی با وسایل ارتباطی سریع مثل قطار مرتبط خواهد بود و از این رو بزرگترین متروپلیتن و ناحیه کلان‌را در تاریخ بشر نه تنها از نظر شمار ساکنان بلکه از نظر تمرکز توانهای تکنولوژیکی و اقتصادی ایجاد خواهد کرد.

با وجود مسائل اجتماعی، شهری و محیطی همراه با تمرکز مفرط شهری، مگاسیتی‌ها در حال رشدند و به رشد خود هم از نظر اندازه و هم از نظر جاذبه ادامه خواهند داد. آنها هم به منظور استقرار عملکردهای سطوح بالا، استقرار گروه‌های نروتمند و گروه‌های اجتماعی آموزش دیده کوشش خواهند کرد. دلیل این امر عبارت است از:

- ۱- مگاسیتی‌ها مراکز اقتصادی، تکنولوژیکی و تجاری جهان در کشور خود و در سیستم جهانی‌اند. آنها در واقع موتور روند توسعه هستند.
- ۲- مگاسیتی‌ها مراکز نوآوری فرهنگی، ایجاد الگو و تحقیقات علمی، از جمله روندهای قاطع استراتژیکی در عصر اطلاعات هستند.
- ۳- مگاسیتی‌ها حتی در مواردی که مرکز حکومتی در دیگر شهرها مستقر است مرکز

جهان را که برای بقا در حال کوشش‌اند، در خود جای داده‌اند. آنچه مگاسیتی‌ها را به عنوان شکل جدید شهری معرفی می‌کند، تأسیس آنها پیرامون شبکه‌ای ارتباطات جهانی است. در نتیجه آنها به عنوان گره‌های اساسی عمل می‌کنند در حالی که نهایتاً از نظر اجتماعی و فضایی با یکدیگر مرتبط و متصل نیستند.

مگاسیتی‌ها اشکال فضایی هستند که به وسیله ارتباطات عملکردی در قلمروهای وسیعی مشخص می‌شوند در حالی که همزمان از نظر الگوی کاربری اراضی دارای ناپوستگی‌اند. میراث اجتماعی و عملکردی آنها مبهم است و در واحدهای سرزمینی جدا از هم سازمان یافته‌اند که رسوم اجتماعی آنها به وسیله کل سیستم مشخص نمی‌شود. مگاسیتی‌ها صورتهای فلکی سرزمینی هستند که از بخشهای فضایی جدا از هم، فضای عملکردی و اجتماعی جدا از هم ساخته شده است. تصویر ۱، جزئیات مگاسیتی نیویورک یکی از مهمترین مگاسیتی‌های قرن ۲۱ را نشان می‌دهد.

در اوایل قرن ۲۱ کریدور توکیو-یوکوهاما-ناگویا که واحد اقتصادی عملکردی را نشان

○ گرچه جهانی شدن دلالت بر یکپارچگی رو به رشد جهان دارد ادعای حصول فضای شهری یکپارچه جهانی، ادعایی اغراق آمیز است.

نقشه ۱، بخش‌های مختلف نیویورک بر حسب واحدهای درآمدی

Meekon Hertschels Income

- Over \$40,000
- \$27,561 - 40,000
- \$20,001 - 27,500
- \$10,001 - 20,000
- \$10,000 and under

0 50 100 Miles



Source: Madenlog and Costello, 1989, p.38

قدرت سیاسی می‌باشند زیرا نیروی ایدئولوژیکی و اقتصادی ارائه می‌دهند.

۴. مگاسیتی‌ها نقاط ارتباطی سیستم ارتباطات جهانی هستند. برای نمونه اینترنت به‌مرغم فراگیری الکترونیکی و معماری انعطاف‌پذیری که دارد نمی‌تواند مگاسیتی‌ها و سیستم آنها را دور بزند زیرا آنها بر پایه سیستم‌های مخابراتی ای‌کار می‌کنند که پیرامون مادر شهرهای بزرگ بنا شده‌اند (مثل تل‌پورت و حلقه‌های فیبر نوری) و نیز به این دلیل که اینترنت به‌خاطر قدرت خود به سیستم اطلاعاتی و گروه‌های اجتماعی متخصصی نیاز دارد که در مگاسیتی‌ها زندگی می‌کنند (Jordi et al., 1999: 16-43).

مراکز ترانزیت کالا: شهرهای بدون مرز

جهانی شدن اقتصاد، همکاری اقتصادی زیر ناحیه‌ای را در چندین نقطه تشویق کرده است. مثلث‌های رشد موفق، الگوی توسعه آسیایی مناطق اقتصادی مرکب از چند کشورند که مرکز هر یک از آنها یک ناحیه متروپلیتن مهم است. این مناطق را می‌توان اقتصادهای «بدون مرز» خواند که در آنها تقسیم بین‌المللی کار مزیت مراکز شهری را گسترش داده است (Thant et al., 1994). شهرهایی که از اقتصادهای بدون مرز متأثر شده باشند، دیگر نمی‌توانند به‌عنوان اقتصادی مجزاً تلقی شوند بلکه واقعاً بخشی از ناحیه متروپلیتن گسترده بزرگترند. ممکن است نواحی متروپلیتن گسترده بزرگ حداکثر تا ۱۰۰ کیلومتری یک مرکز شهری گسترده و با سطوح بالای تنوع اقتصادی و روابط متقابل مشخص شوند. درصد بالایی از شاغلان بخشهای غیر کشاورزی و نفوذ عمیق بازار جهانی نواحی روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (McGee, 1996: 418).

نواحی وسیع متروپلیتن، دلالت بر نیاز بالای توسعه دارند و به‌جای روستایی یا شهری بودن به‌عنوان یک ناحیه اقتصادی انگاشته می‌شوند.

یک نمونه از اقتصادهای بدون مرز بین سنگاپور، مالزی و اندونزی رشد کرده است که «سیجوری» (Sijori) نامیده می‌شود. این ناحیه دولت‌شهر سنگاپور را دور می‌زند و رشد هسته

سنگاپور مستقیماً ناشی از بلوغ اقتصادی آن بوده است. جریان‌های جمعیت و کالا از شهر به نواحی بیرونی همراه با افزایش سطح جریان سرمایه فرامرزی صورت گرفته است.

نمونه دیگر، توسعه همکاری‌های فرامرزی شامل سرمایه، داده‌های تکنولوژیکی و مدیریتی مربوط به یکپارچگی هنگ کنگ، تایوان و ایالات جنوبی چین یعنی گوانگ‌دونگ و فوجیان (Guangdong & Fujian) می‌باشد. هنگ کنگ مرکز دلتای زوجیانگ (Zhujiang) است و به‌عنوان مرکز مالی و فرماندهی شکل گرفته است.

شهرهای آسایشگاهی

به‌مرغم بی‌توجهی به مسائل محیطی در برخی شهرهای صنعتی در سیستم ناحیه‌ای، جهانی شدن موجب سیاست «توسعه پایدار اکولوژیکی» است. این روند در «سیدنی» و «وانکور» قابل تشخیص است. این دو شهر سه ویژگی مشترک دارند: اقتصاد فراصنعتی با اقتصاد ناحیه‌ای آسیا و اقیانوس آرام ادغام شده است. این دو شهر محیطی طبیعی با تمرکز بالای امکانات آسایشگاهی دارند و از سطح بالای سرانه رفاه اجتماعی همراه با پذیرش سیاسی بهبود کیفیت محیطی برخوردارند.

نیروهای جهانی شدن مؤثر در «وانکور» و «سیدنی» جریان مالی سرمایه، همراه با ساخت اقتصادی فراصنعتی آنها، تجارت کالا (در مورد وانکور) و جریان مهاجرت است. سیدنی مرکز و لوز جنوبی و مهمترین شهر جهانی استرالیا است. در بین شهرهای استرالیا، سیدنی بیشترین سهم فرماندهی ناحیه‌ای همکاری‌های فرامرزی را در ناحیه آسیا و اقیانوس آرام داراست و میزبان سه چهارم بانکهای ملی و بین‌المللی فعال در استرالیا نیز هست. بزرگترین منبع مبادلات کشور است. مناسبترین مکان فرماندهی ناحیه‌ای شرکتهای فراملی در ناحیه آسیا و اقیانوس آرام است. از مراکز ۲۰ مورد از عمده‌ترین شرکتهای ناحیه در چهار بخش حسابداری، تبلیغات، مدیریت، مشاورت و بنگاههای بین‌المللی، ۳۹ درصد در سیدنی قرار دارند. این تمرکز کارکردی هم به اقتصاد فراصنعتی و هم به نقش آن به‌عنوان مرکز فرماندهی و کنترل مربوط می‌گردد.

○ مگاسیتی مناطق شهری بسیار بزرگ تاریخ انسانی است که وسعت و اندازه شاخص اصلی تعیین آن نیست بلکه مگاسیتی در واقع گره‌های اقتصاد جهانی و قدرتمندترین کشورهاست.

تجارت در وانکور نظیر جریان اطلاعات و جریان مالی در سیدنی است. در بین ارتباطات تجاری، روابط وانکور-هنگ کنگ بیشترین توجه را به خود جلب کرده است. ناحیه «وانکور» دارای ارتباطات با اهمیتی با ژاپن است. در اثر نیاز به منابع صنعتی و کشاورزی در مقیاس وسیع، ۱۱ نمونه از بزرگترین کمپانیهای تجاری ژاپن موسوم به «سوگوشوشا» (Sogoshosha) در کانادا شعبه فرعی دایر کرده‌اند؛ از این ۱۱ مورد پنج مورد، وانکور را به عنوان فرماندهی محلی خود انتخاب کرده‌اند. دلیل این امر آن است که ۶۰ درصد از تجارت «سوگوشوشا» از طریق بندر وانکور انجام می‌شود.

«وانکور» و «سیدنی» اخیراً به مقصد شناخته شده مهاجران آسیایی تبدیل شده‌اند. یکبار چگی گسترده سیدنی با اقتصاد جهانی از جمله شامل فرودگاه محلی است که آن را به صورت کانون ترافیک هوایی در آورده است و نقش مهمی در این جریان‌های بازی می‌کند. وانکور یکی از سریع‌ترین آهنگ‌های رشد را در نواحی شهری شده در آمریکای شمالی دارد و جمعیت آن از ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۶ از ۱/۲ میلیون به ۱/۶ میلیون نفر افزایش یافته است. از این جمعیت ۶۰۰ هزار نفر یا حدود یک سوم در سالهای ۱۹۹۱-۹۴ وارد وانکور شده‌اند. نرخ مهاجرت بین‌المللی از ۳۳ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۵۹ درصد در سال ۱۹۹۴ افزایش یافته است. اکثر این مهاجران از آسیا هستند (McGee, 1998: 86).

مساعد بودن محیط شهرها (اقلیم، بنادر، سواحل، کوهها، سطح پایین آلودگی) و ویژگی گونه‌گونی فرهنگی رمز مزیت نسبی آنهاست. «وانکور» بخشی از ناحیه وسیع جغرافیایی پیوسته‌ای است که در طول ۱۲۰ کیلومتر گسترده شده است.

سیدنی دارای سواحل و پناهگاههای زیبا و اقلیم جذابی است که محیط مطلوبی ایجاد می‌کند. حکومت معتقد به حفظ و حر است محیط به عنوان مرکز مهم توریستی ناحیه است که شمار زیادی جهانگرد را جذب می‌کند. برای ایجاد شهرهای آسایشگاهی وجود شرایط محلی، تصمیمات دولتی و فعالیتهای بخش خصوصی مؤثر بوده

حومه‌نشینی جدید: شهر حاشیه‌ای

آمریکادر دهه ۱۹۹۰ موج جدیدی از گسترش سرزمینی را در حاشیه شهری خود تجربه کرده که به صورتی در دیگر کشورها مورد تقلید قرار گرفته است. این فرم فضایی جدید، شهر حاشیه‌ای (edge city) خوانده شده است و به‌طور تجربی آن را با ترکیبی از پنج شاخص تعریف کرده‌اند:

- ۱- قلمروی که دستکم ۵ میلیون فوت مربع فضای اداری در آن متمرکز شده باشد و مکان کاری عصر اطلاعات باشد.
- ۲- دستکم ۶۰۰ هزار فوت مربع به ساختمان مراکز خرید اختصاص یافته باشد.
- ۳- مشاغل نسبت به مساکن بیشتر باشد.
- ۴- مردم، این قلمرو را فضای خاصی تلقی کنند.

۵- آثاری در آن نباشد که بتواند شهر ۳۰ سال پیش نامیده شود.

توسعه با عظمت این نوع پیچیدگی سرزمینی در حاشیه شهرهای بوستن، نیوجرسی، دترویت، آتلانتا، فونیکس، تگزاس، کالیفرنیا جنوبی، سانفرانسیسکو و واشینگتن دی سی به ثبت رسیده است. هر یک از این واحدهای فضایی به کیلومترها ساختمان اداری، تسهیلات تجاری و نواحی مسکونی گسترش یافته است که همه جدیداً ساخته شده و به وسیله یک بزرگراه ارتباطی قابل دسترسی اند. این نوع شهرنشینی را شهرنشینی پیراشهری (Ex-Urban) می‌نامند که در آن زندگی پیرامون دو قطب «کار کامپیوتری» و مراکز خاصی که در غلبه فرهنگ سمعی و بصری است، سازمان می‌یابد.

توسعه این صورت فلکی فراشهری وابستگی عملکردی واحدهای متفاوت و روندهای متفاوت سیستم شهری را در فواصل بسیار برجسته می‌سازد و نقش مجاورت سرزمینی را کاهش و اهمیت شبکه ارتباطی را اعم از خطوط تلفن و حمل و نقل زمینی افزایش می‌دهد.

این مدل شهرنشینی با تجربیات تاریخی و فرهنگهای آمریکایی‌ها در رابطه است (باستیه و

○ مگاسیتی‌ها در اقتصاد جهانی ادغام می‌شوند، شبکه‌های اطلاعاتی را به هم متصل و قدرت جهانی را در خود متمرکز می‌کنند. همچنین بخش وسیعی از جمعیت جهان را در خود جای می‌دهند.

دزر، ۱۳۷۷: ۲۱۹-۲۰۴) و به وسیله کوشش مداوم برای غلبه بر مشکلات اجتماعی و شهری از طریق تحرك جغرافیایی مشخص می شود: ابتدا از طریق مهاجرت به آمریکا برای رهایی از شرایطی که در کشورهای مبدأ وجود داشت؛ آنگاه از طریق حرکت به سوی غرب و بهره برداری گسترده از قاره. بعدها گروه های متوسط مرکز شهر را ترك و شهرنشینی حومه ای را مبتنی بر استفاده از اتومبیل، تلویزیون و مالکیت مسکن مجزأ با استفاده از یارانه های دولتی تأسیس کردند. حالا حومه های تأسیس شده را به جا گذاشته نواحی روستایی را ترك کرده و این شهرهای حاشیه ای را در طول شریانهای بزرگراهها شکل داده اند. تنها نقاط مرجع آنها مکانهای کاری پراکنده، ساکنان انفرادی سرزمینهای متر اکم، بدون تمرکز شهری و مراکز خدماتی در گره های ارتباطی بزرگراهها هستند.

این پایان شهرها نیست چون نیویورک، سان فرانسیسکو و بسیاری مراکز شهری دیگر در چندین نواحی مادر شهری یا فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، تجاری و مدیریتی به جنب و جوش خود ادامه می دهند. اکنون ترك نسبت فزاینده ای از جمعیت آمریکا را از هر نوع تجربه شهری در زندگی روزانه شان شاهد هستیم. سیستم های جدید ارتباطات، گرایش به تمرکز فعالیتها و پراکندگی جمعیت دارد. روستاها خالی رها می شوند و شهرها باقی می مانند و به بقای خود ادامه می دهند اما ساکنان آنها روز به روز کمتر و کمتر می شود و شهرنشینی پیراشهری وابسته به گره های خطوط تلفنی و بزرگراهها اشکال جدید شهری را ایجاد می کنند.

شهرهای دوگانه

مدل اقتصادی-تکنیکی جدید همزمان، با پویایی تولید گسترده و تفکیک اجتماعی و سرزمینی از یکدیگر مشخص می شود. این تضاد بر اساس قلمرو در سطح جهانی دیده می شود. برای نمونه، منطقه نیمه صحرایی آفریقا به استثنای آفریقای جنوبی به طور روزافزونی از مصادرات تکنولوژیکی و اقتصادی غالب سیستم جهانی مستثنی می شود. مدل های تفکیک کننده از طریق روندهای نابرابری تجمعی ناحیه ای نیز ظاهر می شوند، نظیر آنچه که در جنوب شرقی و شمال

شرق برزیل یا بین ناحیه «کاتالونیا» و «اگستر مادیرا» در اسپانیا دیده می شود. اما عامل جدیدتر آن است که رویدادهای تفکیک کننده موجب تفکیک اجتماعی داخلی مادرشهرهایی می شود که در همه کشورهای سراخ داریم.

عوامل مؤثر بر روند دوگانگی بر اساس ماهیت عبارتند از:

۱- بحران مسکن و خدمات شهری که در اکثر کشورهای در حال توسعه بخش عظیمی از جمعیت شهری از جمله مستخدمین معمولی با درآمد متوسط را رنج می دهد.

۲- وجود و رشد نابرابری اجتماعی در شهرهای بزرگ از لندن یا مادرید تا سانتو پولو یا مکزیک.

۳- فقر شهری که بخش عظیمی از جمعیت اکثر شهرهای آفریقایی را متناسب با ساختار کلی حکومتها تحت تأثیر قرار می دهد.

۴- پدیده تفکیک اجتماعی خود عاملی است که بخش هایی از جامعه مادرشهرها را به سطح معیشتی زندگی تنزل می دهد.

۵- صنایع با تکنولوژی پیشرفته الگویی از اشتغال ارائه می کنند که با الگوی سنتی بسیار تفاوت دارد.

این الگوی اشتغال به دو مقیاس حرفه ای نیازمند است: مهندسان و محققان متخصص از یک سو، و انبوهی از شاغلان نیمه ماهر با محدودی از کارکنان اداری و کارگران ماهر از سوی دیگر. از این رو ترقی خدمات تولیدی و مالی در بعضی شهرها تعداد زیادی شغل با دستمزد بالا ایجاد کرده است ولی در مقابل، در شهرهای مزبور شمار خانواده های کم درآمد را سخت افزایش داده که در نهایت به قطعی شدن اجتماعی به عنوان مهمترین نتیجه افزایش سرمایه برای تولید و مهاجرت کلان کارگران خارجی در شهرهای جهانی انجامیده است. در این شهرها گذار از تولید کارخانه ای به خدمات از اواسط دهه ۱۹۷۰ سبب ایجاد شکاف گسترده در گروه های مختلف شده است و فقیرترین گروه های اجتماعی فعال در مشاغل کم درآمد در کنار ثروتمندترین افراد شاغل در خدمات تولیدی پر درآمد پرورش داده و منجر به گسترش شهرهای دوگانه شده است که نمونه

○ در اوایل قرن ۲۱
 کریدور توکیو- یوکوهاما-
 ناگویا که واحد اقتصادی
 عملکردی را نشان می دهد
 با صورت فلکی کیوتو-
 اوزاکا- کوبه متصل و به
 راحتی با وسایل ارتباطی
 سریع مرتبط خواهد بود و
 بزرگترین متروپلیتن و
 ناحیه کلان رانه تنها از نظر
 شمار ساکنان بلکه از نظر
 تمرکز توانهای
 تکنولوژیکی و اقتصادی
 تشکیل خواهد داد.

بین شرایط استخدام و فقر رابطه نزدیکی وجود دارد. بین سطح تعلیم و تربیت و به دست آوردن شغل ثابت رابطه وجود دارد. ۶۰ درصد مزدبگیران شغل خود را از طریق مداخله دوستان یا عضویت در گروه‌های قومی به دست می‌آورند. دستیابی به آموزش تخصصی هم بستگی به روابط شخصی دارد و حتی راه اندازی کار و کاسبی رسمی یا غیررسمی صرف نظر از اندازه آن بستگی به دستیابی به آیین‌های اداری دارد که بنوبه خود منوط به سیستم ارتباط مبتنی بر خطوط قومی است. بین مراکز رسمی و حواشی غیررسمی تفاوت‌های اجتماعی وجود دارد. این تفاوت‌ها در پایتخت‌های دیگر کشورهای آفریقایی نیز دیده می‌شود.

شهر اطلاعات

برخی شهرهای آسیایی اهمیت خاصی در تکنولوژی اطلاعاتی به دست آورده‌اند. سنگاپور در تلاش بوده است تا اقتصاد خود را بر اساس تأسیس «شهرهای اطلاعات» (Information City) بازسازی کند. تکنولوژی اطلاعاتی در کاتون طراحی شهرهای آینده قرار دارد. پروژه‌های «تله‌پورت» در کمتر از شش کیلومتری مرکز شهر توکیو به عنوان شهر اطلاعاتی و پیشرو طراحی شده است. این پروژه‌ها در مالزی نیز توجه زیادی را به خود معطوف کرده است.

«تله‌پورت» (Teleport) که از طریق تلفن، فیبر نوری یا تأسیسات موج کوتاه، چند سرویس ماهواره‌ای کابلی را به تعداد کثیری از مشتریان در یک منطقه پیوند می‌دهد، نیازمند معماری کامپیوتری ظریف و همساز است؛ در نتیجه در شهرهای بزرگ استقرار می‌یابد. به همین دلیل از ۴۰ سیستم «تله‌پورت» که در سال ۱۹۸۷ در آمریکا فعال بوده ۲۷ سیستم در ۱۷ ناحیه بزرگ شهری مستقر بوده است.

بنابر این کمپانی‌ها به دنبال برخورداری از زیرساخت‌های مزبور در شهرهای بزرگ مستقر می‌شوند و به نوبه خود سیستم‌های ارتباطات راه دور و سایر شبکه‌های هوشمند را با استفاده از افزایش تقاضای خود گسترش می‌دهند. این سیستم‌ها کارگرهای مختلف شهری را گسترش می‌دهند و فرصت‌های شغلی زیادی در برخی

آن را در اغلب شهرهای جهانی می‌توان یافت (Rennie & Yeong, 1999: 54-71). نیویورک که احتمالاً پایتخت اقتصادی جهان برحسب سکو تنگاه سرآمدان سرمایه‌داری است، شهری عمیقاً دوگانه است. تجدید ساختار اقتصادی نیویورک در طول سی سال اخیر نابرابری اجتماعی بسیاری ایجاد کرده است. تقابل بین بخش‌های فقیر و غنی شدیدتر می‌شود. بخش‌های مختلف نواحی متروپلیتن به صورت‌های مختلف متأثر می‌شود. فضولات صنعت بیشتر حومه را متأثر می‌سازد در حالی که رشد در «مانهاتان» متمرکز شده است. جغرافیای در حال تغییر فرصت‌های شغلی، جغرافیای اجتماعی ظاهری نواحی متروپلیتن را شکل می‌دهد. بخش اعظم «مانهاتان» اشراف‌نشین شده است، در حالی که اکثر نواحی دور افتاده تنزل اجتماعی را تجربه می‌کنند. نتیجه این روند الگوی جدید تشدید تضاد بین ناحیه «مانهاتان» و حومه است. بسیاری گروه‌های شغلی غیررسمی برای پاسخگویی به نیازهای محلی توسعه یافته‌اند. در ساوث برانکس (South Bronx) شغل غیررسمی به معنی معیشت است ولی در سوهو (Soho) به معنی سبک زندگی تجملاتی است.

بنابر این دوگانگی شهری نیویورک منعکس کننده تفاوت ساده بین فقیر و غنی و محدود به تصور متقابل «لیموزین» سوارهای لوکس از یک سو و مردم بی‌خانمان پراکنده در خیابان‌ها از سوی دیگر نیست بلکه منعکس کننده ساختار اجتماعی شهری است که مبتنی بر روابط متقابل بین قطب‌های متضاد در اقتصاد اطلاعاتی جدید است که منطبق توسعه آنها جامعه را قطب‌بندی می‌کند، گروه‌های اجتماعی را تفکیک می‌کند، فرهنگ‌ها را منزوی می‌سازد و استفاده از فضای متروپلیتن را بر اساس عملکردهای متفاوت گروه‌ها و گروه‌های قومی از هم جدا می‌سازد.

دوگانگی اجتماعی شهری در کشورهای فقیر برحسب گروه‌های قومی، شغلی، جنسی و آموزشی هم دیده می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۲ در «بور کینافاسو» ۲۵ درصد جمعیت فعال بیکار بوده است و اکثر افرادی که کار، شغل ثابتی نداشته‌اند؛ ۵۸ درصد در فقرند.

○ اینتسرننت به رغم فراگیری الکترونیکی و معماری انعطاف‌پذیری که دارد نمی‌تواند مگاسیتی‌ها و سیستم آنها را دور بزند زیرا بر پایه سیستم‌های مخابراتی‌ای کار می‌کند که پیرامون ما در شهرهای بزرگ بنا شده‌اند.

ناحیه آسیا و اقیانوس آرام در تلاش برای ارائه خدمات به شرکت‌های بزرگ، «پارک‌های صنعتی» (industrial parks) را در حومه شهرهای خود توسعه داده‌اند. اکثر این پروژه‌ها در داخل و پیرامون شهرهای متروپلیتن بزرگ ناحیه متمرکز شده‌اند. در سنگاپور، تایپه و سئول پارک‌های صنعتی با حمایت دولت و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی با موفقیت عمل کرده‌اند (جدول ۲).

مناطق فرآوری صادرات

یکی از مهمترین و بحث‌انگیزترین ابداعات برای تشویق صادرات و سرمایه‌گذاری خارجی توسعه منطقه فرآوری صادرات است (export-processing zones: EPZs). چنین منطقه‌ای ناحیه نسبتاً کوچک جدا شده‌ای است که به‌عنوان منطقه‌ای که شرایط مناسب سرمایه‌گذاری و تجارت را در رابطه با کشور میزبان دارد انتخاب شده است. در واقع این مناطق سسرزمین صادراتی‌اند که در آنجا برخی مشوق‌ها به‌منظور جلب نظر سرمایه‌گذاران خارجی و زمینه‌سازی ورود سرمایه‌های آنان به کار گرفته می‌شود (محمدی الموتی، ۱۳۷۴: ۱-۲) و هدفهای معینی را دنبال می‌کنند (مایر و سیرز، ۱۳۶۸: ۲۴۳-۲۴۰). این مناطق در داخل فرودگاهها، بنادر دریایی، کنار شهرهای بزرگ یا در نواحی نسبتاً توسعه نیافته به‌عنوان بخشی از استراتژی توسعه ناحیه‌ای تأسیس می‌شوند. از کل مستخدمین این مناطق در کشورهای در حال توسعه ۶۰ درصد در آسیا هستند. هنگ کنگ و سنگاپور، مناطق با فعالیتهای شدید صادراتی هستند. تایوان، مالزی، کره جنوبی (رفعتی، ۱۳۷۰: ۸۱) فیلیپین، در ناحیه، دارای مستخدمین زیادی در مناطق فرآوری صادرات می‌باشند که نقش غالبی در روند

زمینه‌ها ایجاد می‌کنند. از این رو سطوح بالای خدمات پیشرفته در گره‌های معینی در بعضی کشورهای جهان متمرکز می‌گردد. این تمرکز از سلسله‌مراتبی در بین مراکز شهری تبعیت می‌کند و برحسب عملکردهای بسیار مهم، مهارت، قدرت و سرمایه در نواحی متروپلیتن‌های عمده جهان که دارای ارتباطات مهم مالی، مشاوره‌ای و خدمات تجاری است، نظیر نیویورک، لندن و توکیو متمرکز می‌شود یا در نقاطی که بخش‌های بازاری خاصی غلبه دارد، مانند شیکاگو، سنگاپور، هنگ کنگ، اوزاکا، فرانکفورت، لوس آنجلس، سانفرانسیسکو، آمستردام و میلان مکان می‌گیرند. (Cavasion, 1999: 74-134).

تکنوپولیس

نوع دیگر توسعه شهری که در رابطه با جهانی شدن اقتصاد چهره شهرهای ناحیه آسیا و اقیانوس آرام را تغییر داده، تأسیس مجتمع‌های بزرگ تحقیق و توسعه است. این مجتمع‌ها در آسیا در خارج از مراکز شهرهای آسیایی قرار گرفته‌اند. در ژاپن دولت تأسیس شهرهای پیشرفته تکنولوژیکی یا تکنوپولیس (Technopolises) را تشویق کرده است. از جمله این شهرها شهر «ساینس سیتی تسوکوبا» (Tsukuba) در شمال شرق توکیو را می‌توان ذکر کرد. تایوان این مدل را در ایجاد پارک علمی (Science park) که یک مرکز تولید تکنولوژی پیشرفته و تحقیق و توسعه است در خارج از تایپه در هسینچو (Hsinchu) به کار برده است. تصمیم‌گیری شرکت‌های فراملیتی نه تنها براساس میزان زیرساختها بلکه با نوع و کیفیت زیرساختها نیز به‌عنوان یک نیاز در رابطه است (Peck, 1996: 327-339). حکومت‌های

○ يك نمونه از اقتصادهای بدون مرز بین سنگاپور، مالزی و اندونزی رشد کرده و به مثلث «سیجوری» معروف است. این ناحیه، دولت‌شهر سنگاپور را دور می‌زند و رشد هسته سنگاپور مستقیماً ناشی از بلوغ اقتصادی آن است.

جدول ۲، مکان‌گزینی پارک‌های صنعتی در شهرهای منتخب آسیا (۱۹۹۳)

سهم درصدی کل پارک‌های صنعتی		شهر
داخل شهر	نواحی مادرشهر	
۰/۵	۸/۱	کوالالمپور
—	۲۳/۶	بانکوک
۱/۹	۷۰/۲	مانیل
۹/۷	۶۶/۹	جاکارتا

منبع: بانک توسعه ژاپن (۱۹۹۶).

توسعه صنعتی آنها ایفا می کنند.

سیستم شهری ناحیه‌ای کارکردی

جهانی مکان تمرکز فرماندهی شرکت‌های فراملیتی، بانک‌های چندملیتی و خدمات تولیدی و تجاری است. در توکیو مستخدمین بخش صنعتی کاهش و مستخدمین بخش خدمات افزایش می‌یابند. توکیو مکان تمرکز شدید کارکرد مدیریت مرکزی، شرکت‌های تحقیق و توسعه و آژانس‌های حکومتی در ژاپن است. سئول نیز سهم نامتناسبی از جمعیت ملی را در خود جای داده است (۲۳ درصد در سال ۱۹۹۵). خدمات و فعالیت‌های تکنولوژیکی پیشرفته در ناحیه متروپلیتن سئول تمرکز شدیدی دارند. در سال ۱۹۹۵، ۵۷ درصد از کل تأسیسات صنعتی و ۵۱ درصد از کارگران آنها در ناحیه متروپلیتن سئول بوده‌اند. تمام شرکت‌های فراملیتی کره‌ای در این شهر بوده و از تماس نزدیک با حکومت مرکزی برخوردارند؛ موفقیتهایی که برای معاملات تجاری کره لازم است. در حقیقت شهر فراصنعتی دارای مستخدمینی است که رشد بخش چهارم یعنی مشاغل چون مدیریت، اداری و تکنولوژی پیشرفته را گسترش می‌دهد (Johnston et al., 1998: 446-59).

این روابط شکل خاصی به چشم‌انداز شهری می‌دهد. شهرها مکان تمرکز پروژه‌های بزرگ بویژه فضاهای سکونتی و تجاری و وسیع با اجاره‌بهای بالا، مراکز تحقیق و توسعه، تسهیلات فراغتی و پذیرایی برای گروه‌های پردرآمد مستخدمین بخش خدمات می‌شوند؛ تله‌پورت‌ها برای انتقال سهل و سریع اطلاعات و درخشش ساختمان‌های هوشمند، بانک‌ها و سایر نهادهای مالی در بخش تجاری مرکزی توسعه می‌یابند و به شهرها ساختاری چند مرکزی می‌دهند که هر یک از مراکز نقش متفاوتی در اقتصاد شهر ایفا می‌کند. چنین ساختاری در توکیو و سئول بروشنی مشاهده می‌شود.

پایگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم

خارجی: شهرهای صنعتی

روندهای تولید صنعتی برای رشد و توسعه سیستم تولید ناحیه‌ای اهمیت بسیار دارد و از این رو این مراکز نقش مهمی در سیستم شهری کارکردی ایفا می‌کنند. مراکز صنعتی شامل نواحی شهری نظیر بانکوک، جاکارتا و شانگهای می‌باشند. این مراکز شهری اخیراً شاهد کاهش فعالیت‌های

در بین انواع توسعه شهری در ناحیه آسیا و اقیانوس آرام ظهور «کریدور شهری» گسترده بین توکیو و شمال شرقی چین از طریق کره به مالزی، اندونزی و فیلیپین به عنوان سیستم شهری ناحیه آسیای شرقی قابل ذکر است. این «کریدور» شهری بزرگ شامل مجموعه‌ای از «کریدورهای شهری» کوچک‌تر است (نقشه ۲). کریدور شهری S شکل در شرق آسیا در طول ۱۵۰۰ کیلومتر کمر بند شهری از «پکن» تا «توکیو» از طریق «پیونگ‌یانگ» و سئول، ۱۱۲ شهر با بیش از دو میلیون سکنه در هر یک را در یک ناحیه شهری ۹۸ میلیون نفری به هم پیوند می‌دهد (نقشه ۳). شبکه شهری در سیستم شهری کارکردی ناحیه آسیا و اقیانوس آرام بطور یکنواخت توسعه نیافته است. تقاضای ظهور سیستم شهری ناحیه‌ای در هر شهر بر حسب عوامل مختلف متفاوت بوده ولی اغلب تحت تأثیر عوامل اقتصادی صورت گرفته است. شهرهایی که در رأس سلسله‌مراتب شهری هستند، صادرکنندگان عمده سرمایه‌اند. در این شهرها شرکت‌های تجاری نقش فرماندهی و کنترل مهمی در ناحیه و جهان بازی می‌کنند (مثل توکیو در ژاپن و در همان سطح یا پایین‌تر، سئول در کره و تاییه در تایوان). این شهرها به شکلی متفاوت با دریافت‌کنندگان مهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صنعتی توسعه پیدا می‌کنند (برای نمونه جاکارتا در اندونزی، شانگهای در چین و بانکوک در تایلند). وانگهی دو مرکز بازرگانی هنگ‌کنگ و سنگاپور سطحی از توسعه فرامرزی را به نمایش می‌گذارند که در سایر مراکز متروپلیتن سابقه ندارد.

صادرکنندگان سرمایه

(شهرهای فراصنعتی)

شهرهای فراصنعتی در فرآوری اطلاعات و شناخت چیرگی دارند. توکیو، سئول و در سطحی پایین‌تر تاییه نمونه‌های توسعه فراصنعتی در آسیا و اقیانوس آرام‌اند. ساسن (Sassen) نظم اجتماعی و اقتصادی شهرهای جهانی را که لندن، توکیو و نیویورک نمونه آن هستند معرفی کرده است. شهر

○ در شهرنشینی پیراشهری، زندگی پیرامون دو قطب کار کامپیوتری و مراکز خاصی که در غلبه فرهنگ سمعی و بصری است سازمان می‌یابد.

روبرو خواهند بود.

هرگونه کوششی برای نادیده گرفتن این واقعیات به جای سازش با آنها در جهت رفع نیازهای اجتماعی و مدیریت تضادهای موجود به ناگزیر به فاصله‌فزاینده بین واقعیت‌ها و تئوری‌های شهری منجر خواهد شد و در این میان، ممالک عقب‌مانده بازنده‌نهایی خواهند بود.

منابع و مأخذ

۱. باستیه‌ژان و دزر برنارد (۱۳۷۷) شهر، ترجمه‌ علی اشرفی، تهران، دانشگاه هنر.
۲. مایر، جرال دو سیرز، دادلی (۱۳۶۸) پیشگامان توسعه، ترجمه‌ علی اصغر هدایتی و علی یاسری، تهران، انتشارت سمت.
۳. محمدی الموتی، مسعود (۱۳۷۴) مطالعه‌ای درباره‌ی مناطق آزاد و اثرات اقتصادی، بازرگانی آن تهران. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
4. Cavasion N (1999) "Science Cities and Tec-nopolis in Japan", *Urban Growth and Development in Asia*, Vol 12, SOAS, London: 74-1370.
5. Johnston, R.J. & Others (1998) *The Dic-tionary of Human Geography*, Third Edition, BlackWell Ltd.
6. Jordi B. & Others (1999) *Local and Global*, London, United Nation Center for Human Set-tlement.
7. McGee, T.G. (1998) From Village to the Edge of the Rainforest to Casadia: Issues in the Emergence of a Livable Sub-global World City. Paper Presented at the UNU/LAS Con-ference on Globalization and the Sustainability of Cities in Asia Pacific Region, Vancouver, June.
8. Peck, F. W. (1996) "Regional Development and The Production of Space: The Role of In-frastructure In the Attraction of New Inward Investment". *Environment and Planning A*, Vol, 28,: 327-339.
9. Rennie S.J. and Yeong K. (1999) *Global-ization and City*, USA, Longman.
10. Robert S. M & Others (1999) "Place and Space in Network City". *Journal of Urban Growth and Development in Asia*, Vol 14, No 1:51-65.
11. Thant, M & Others (1994) *Growth Tri-angles in Asia: A New Approach to Re-gional Economic Co-operation*, Hong Kong, Oxford University Press.

کشاورزی و گسترش تمرکز صنعتی در لایه‌های بیرونی شهر بوده‌اند. توسعه‌ صنعتی با حمایت دولت‌ها از جمله ایجاد پارک‌های صنعتی در بخشهای خارجی شهرها ادامه پیدا کرده است.

نواحی خارجی هسته‌های شهری که زمین‌های در دسترس تری دارد برای توسعه‌ صنعتی جذب‌کننده‌ سرمایه‌گذارها و همکاری‌های فراملی است. از این‌رو موجب راه‌اندازی جریان پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی می‌گردد.

یکپارچگی جهانی، الگوی توسعه‌ تولیدی را تحت تأثیر قرار داده است و شرکتهای تولیدی پیرامون هسته‌ مرکزی شهرها به صورت حلقه‌ای شکل گرفته‌اند.

جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در شهرهای صنعتی بانکوک و جاکارتا نوعی شکل شهری ایجاد کرده که در آن توسعه‌ صنعتی در حومه‌ها یا خارج از حاشیه‌ شهرها بوده و توسعه‌ تجاری را در مرکز شهر سبب شده است. سایر شهرها نظیر شانگهای نیز تحولات مشابهی پذیرفته‌اند. این نوع توسعه با توسعه‌ شهرهای صادرکننده‌ سرمایه متفاوت است.

نتیجه‌گیری

الگوهای مختلف شهری در عصر جهانی شدن گویای آن است که متناسب با تقسیم جدید بین‌المللی کار، سرمایه‌راهی مناطقی می‌شود که از مزیت‌های نسبی بالایی برخوردار باشند و زیرساختهای غنی اطلاعاتی را در اختیار داشته باشند. چنین مناطقی به بهانه‌های شهری گسترده یا گره‌های ارتباطی و مدیریتی سیستم جهانی تبدیل می‌شوند و دستگاه عصبی نظام اقتصادی بین‌المللی را تشکیل می‌دهند.

نواحی عقب‌مانده اجتماعی-اقتصادی که فاقد زیرساخت‌های مطلوب و نیروی انسانی ماهر و پرآزاده باشند و نتوانند خطوط فیبرنوری را جایگزین کابل مسی کنند یا نتوانند سرمایه و صنایعی را که برای ادامه‌ حیات یا رشدشان مورد نیاز است، جلب کنند و به تبعیت از آن نتوانند از تکنولوژی جدید و دستاوردهای علمی جدید و اندیشه‌های جدیدی که در مراکز شهری بزرگ پا می‌گیرد، مطلع گردند، با آسیب‌پذیری شدیدی

○ سیستم‌های جدید
ارتباطات، گرایش به
تمرکز فعالیت‌ها و
پراکندگی جمعیت دارد.
روستاها خالی‌رها
می‌شوند و شهرها
روزبه‌روز ساکنان خود را از
دست می‌دهند و
شهرنشینی پیراشهری
وابسته به گره‌های خطوط
تلفنی و بزرگراه‌ها اشکال
جدید شهری را ایجاد
می‌کنند.